

مهدی شریفی

وکیل پایه یک دادگستری

حقوق متهم در اسناد بین‌المللی

مقدمه

عدالت مبتنی بر احترام به حقوق اشخاص است. همان‌گونه که اعلامیه حقوق بشر مقرر می‌دارد:

«به رسمیت شناختن شخصیت ذاتی و حقوقی برابر و سلب نشدن همه اعضای جامعه بشری، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است.»

هنگامی که یک شخص براساس اتهام جزایی در یک محاکمه حضور می‌یابد او با کل سیستم حکومت رودر رو قرار می‌گیرد. نحوه برخوردی که با یک شخص متهم به جرم می‌شود بیانگر احترامی است که آن حکومت برای حقوق بشر قایل می‌گردد.

هر حکومتی موظف است با متهمین عادلانه برخورد کند و اگر محاکمه غیرعادلانه‌ای در مورد آنها صورت گیرد در آن صورت نمی‌توان ادعا کرد که عدالت اجرا شده است. اگر اشخاص بیگناه مجازات گردند یا مجازات صحیحی در مورد آنها انجام نگیرد عدالت اعتبار خود را به مرور زمان از دست خواهد داد و اگر حقوق بشر رعایت نگردد می‌توان ادعا کرد که دادگاه و به تبع آن حکومت در ایفای وظایف و مسؤولیت‌هایشان با ناکامی مواجه شده‌اند. بدبینی و سوءظن از سوی مقامات قضایی و حکومتی نسبت به متهمان نقطه شروعی برای تجاوز به حقوق بشر است. از سال ۱۹۴۸ که اعلامیه جهانی حقوق بشر محاکمه عادلانه را به رسمیت شناخت همه دولت‌ها آن را در حقوق عرفی خود به رسمیت شناختند. به منظور حمایت از این اصل استانداردهای بین‌المللی متعددی به وجود آمده‌اند.

برخی از استانداردها که در محاکمه عادلانه (Fair trial) و در دو بخش حقوق پیش از محاکمه (Pre - Trial Rights) و حقوق در محاکمه (Trial Rights) مورد اشاره واقع شده است عبارتند از:

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر (اعلامیه جهانی)*

این اعلامیه که در سال ۱۹۴۸ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل واقع شد، شامل یک سری از اصول پذیرفته شده جهانی است که عملکرد کشورها را در رابطه با حقوق بشر قانونمند می‌کند و اکثر کشورهای جهان اصول آن را به عنوان اصول عرفی حقوق داخلی پذیرفته‌اند. این بیانیه در تنظیم بسیاری از معاهدات و استانداردها در سطح داخلی و بین‌المللی مورد اقتباس قرار گرفته است.

۲. میثاق بین‌المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی (آی سی سی پی آر)**

این معاهده در سال ۱۹۶۶ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت و در سال ۱۹۷۶ به اجرا درآمد. تا اکتبر ۱۹۹۸، ۱۴۰ کشور به آن پیوسته بودند. این معاهده در حقیقت توسعه و پذیرش بیانیه جهانی حقوق بشر می‌باشد.

۳. معاهده حقوق کودک***

این معاهده در سال ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت و در سال ۱۹۹۰ به اجرا درآمد. تا اکتبر ۱۹۹۸، ۱۹۱ کشور به عضویت آن درآمده بودند. این معاهده ضامن محاکمه عادلانه کودکانی است که به جرایمی متهم شده‌اند.

۴. معاهده ضد شکنجه و رفتار یا مجازات ظالمانه و غیرانسانی (معاهده ضد شکنجه)****

این معاهده در سال ۱۹۸۴ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل واقع شد و در سال ۱۹۸۷ به اجرا درآمد. تا اکتبر ۱۹۹۸ تعداد ۱۰۹ کشور از کشورهای جهان به آن پیوسته بودند.

- The Universal Declaration of Human Rights (Universal Declaration).

- The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR).

- The Convention on the Rights of the Child.

- The Convention against torture and cruel, Inhuman or Degrading treatment or Punishment (Convention against torture)

۵. مجموعه اصول حمایت از همه اشخاص تحت بازداشت یا حبس (مجموعه اصول)*
این مجموعه اصول که در سال ۱۹۸۸ مورد پذیرش مجمع سازمان ملل قرار گرفته به عنوان یکی از استانداردهای بین‌المللی مورد پذیرش و اقتباس کشورها در وضع قوانین داخلی شده است.

۶. قواعد استاندارد برای رفتار با زندانیان**

در سال ۱۹۵۵ اولین کنگره سازمان ملل در جلوگیری از جرم و رفتار با مجرمان این مجموعه قواعد را پذیرفت و شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل نیز آن را تأیید و تصویب کرد. در سال ۱۹۷۱ مجمع عمومی سازمان ملل از اعضا خواست که این قواعد را اعمال کنند و در قانونگزاری‌های داخلی آنها را رعایت کنند.

۷. اصول اساسی درباره نقش وکلا***

هشتمین کنگره سازمان ملل در مورد جلوگیری از جرم و رفتار با مجرمان در سال ۱۹۹۰ این اصول را پذیرفت و متعاقباً مجمع عمومی سازمان ملل آنها را تأیید کرد.

۸. راهبردهای نقش دادستان‌ها****

این راهبردها نیز در هشتمین کنگره سازمان ملل در مورد جلوگیری از جرم و رفتار با مجرمان در سال ۱۹۹۰ مورد پذیرش قرار گرفته است.

۹. اصول اساسی در استقلال قوه قضائیه*****

این اصول در هفتمین کنگره پذیرفته شد و مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۵ آن را تأیید و تصویب کرد.

۱۰. پاسداران سازمان ملل متحد*****

از حقوق اشخاصی که به مجازات مرگ محکوم می‌شوند حمایت می‌کنند. در سال

- The Body of Principle for the Protection of all Persons under any form of Detention and Imprisonment (Body of Principles).

- The Standard Rules for the Treatment of Prisoners.

- The Basic Principles on the Role of Lawyers

- Guide Lines on the Role of Prosecutors

- The basic Principles on the Independence of the Judiciary.

- The United Nation Safeguards

۱۹۸۴ توسط شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل پذیرفته شد و مجمع عمومی آن را تصویب کرد.

۱۱. منشور آفریقایی درباره حقوق بشر (منشور آفریقا)*

در سال ۱۹۸۱ توسط مؤسسه اتحاد آفریقا (OAU) پذیرفته شد و در سال ۱۹۸۶ به اجرا درآمد. در سال ۱۹۹۸ تمام ۵۲ عضو OAU به جز اریتره به عضویت آن درآمد.

۱۲. اعلامیه آمریکایی درباره حقوق و تعهدات بشر (اعلامیه آمریکایی)**

در سال ۱۹۴۸ در نهمین کنفرانس بین آمریکایی پذیرفته شد. این اعلامیه سنگ زیربنای سیستم آمریکایی در حمایت از حقوق بشر است.

۱۳. کنوانسیون آمریکایی درباره حقوق بشر (کنوانسیون آمریکا)***

این کنوانسیون در سال ۱۹۶۹ پذیرفته شد و در سال ۱۹۷۸ به اجرا درآمد.

۱۴. پروتکل کنوانسیون آمریکایی درباره حقوق بشر برای مبارزه با مجازات مرگ****

که در سال ۱۹۹۰ توسط مجمع عمومی Organization of American States (OAS) پذیرفته شده است.

۱۵. کنوانسیون بین آمریکایی در جلوگیری از مجازات شکنجه (کنوانسیون بین آمریکایی درباره شکنجه)*****

این کنوانسیون در سال ۱۹۸۵ توسط مجمع عمومی OAS پذیرفته شد و در فوریه ۱۹۸۷ به اجرا درآمد. تا جولای ۱۹۹۸، ۱۳ عضو از اعضای OAS به عضویت آن درآمد بودند.

- The African Charter on Human and People's Rights (African Charter)

- The American Declaration of the Rights and Duties of man (American Declaration).

- The American Convention on Human Rights (American Convention).

- The Protocol to the American Convention on Human Rights to Abolish the Death Penalty.

- The Inter - American Convention to Prevent Torture (Inter - American Convention on Torture)

۱۶. کمیسیون بین‌آمریکایی درباره حقوق بشر (کمیسیون بین‌آمریکایی)*

این کمیسیون به منظور حمایت از حقوق بشر و خدمت به کشورهای عضو OAS تشکیل شد. این کمیسیون پیشنهاداتی را به کشورها به منظور پذیرش اقداماتی برای حمایت از حقوق بشر می‌دهد. همچنین به شکایت‌های اشخاص و گروه‌های غیردولتی در زمینه نقض حقوق بشر رسیدگی می‌کند.

۱۷. دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر (دادگاه بین‌آمریکایی)**

یک دادگاه بین‌المللی متشکل از هفت قاضی است که توسط کشورهای عضو OAS منصوب می‌گردند. دادگاه به دعوی کشورها رسیدگی می‌کند به شرط اینکه کشور شاکی صلاحیت دیوان را به رسمیت بشناسد. دادگاه همچنین به ارجاعات کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر رسیدگی می‌کند. تصمیمات دادگاه در مورد کشورها الزام‌آور است.

۱۸. کنوانسیون اروپا در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (کنوانسیون اروپا)***

این کنوانسیون در سال ۱۹۵۳ به اجرا درآمد. تصویب یا الحاق به کنوانسیون اروپا مشروط به پیوستن قبلی به شورای اروپا است. تا سپتامبر ۱۹۹۸ تمام چهل عضو شورای اروپا به آن ملحق شده بودند.

۱۹. کمیسیون اروپایی حقوق بشر (کمیسیون اروپا)****

این کمیسیون عملکرد کنوانسیون اروپا را بررسی می‌کند و شکایات یک کشور عضو را علیه عضو دیگر که کنوانسیون را نقض می‌کند رسیدگی می‌کند. همچنین شکایت افراد یا گروه‌های غیردولتی را علیه کشور عضوی که کنوانسیون را نقض کرده است می‌پذیرد.

۲۰. دادگاه اروپایی حقوق بشر (دادگاه اروپا)*****

این دادگاه به تعداد کشورهای عضو شورای اروپا عضو دارد. کشورهای عضو

- The Inter - American Commission on Human Rights (Inter - American Commission).

- The Inter - American Court of Human Rights (Inter - American Court)

- The European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (European Convention).

- The European Commission of Human Rights (European Commission)

***** - The European Court of Human Rights (European Court)

کنوانسیون و کمیسیون اروپا می‌توانند شکایات خود را نزد دادگاه اروپا مطرح کنند. تصمیمات دادگاه در مورد کشورهای عضو کنوانسیون اروپا الزام‌آور است.

۲۰. قواعد زندان اروپا*

این قواعد اگرچه یک معاهده قانوناً الزام‌آور نیست اما رهنودهایی را در مورد تربیت زندانیان ارایه می‌دهد، شکنجه را منع می‌کند و مقرر می‌دارد که زندانیان گوناگون مانند آنهایی که هنوز محاکمه نشده‌اند و آنهایی که محاکمه شده‌اند جداگانه حبس گردند. این نوشتار تنها اختصاص به گزیده‌ای از این استانداردها دارد که تفصیل آن در گزارش کمیته عفو بین‌الملل آمده است.

فصل اول: حقوق متهم تا پیش از محاکمه

گفتار اول: حق آزادی

هر انسانی از حق آزادی فردی برخوردار است. ماده ۳ اعلامیه جهانی مقرر می‌دارد: «هر شخصی حق زندگی، آزادی و امنیت فردی دارد.» بند ۱ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می‌دارد: «هر شخص از حق آزادی و امنیت فردی برخوردار است. هیچ شخصی نباید مورد بازداشت یا حبس خودسرانه قرار گیرد. آزادی هیچ شخصی را نمی‌توان از او سلب کرد مگر تحت شرایطی که در قانون پیش‌بینی شده است.» حمایت در مقابل بازداشت غیرقانونی یا خودسرانه پیامد اصلی حق آزادی است. استانداردهای بین‌المللی از جمله ماده ۹ اعلامیه جهانی به منظور حمایت از حق آزادی فردی مقرر می‌دارد: «هیچ شخصی نباید مورد بازداشت یا حبس خودسرانه قرار گیرد.» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپا مقرر می‌دارد: «هر انسانی از حق آزادی و امنیت فردی برخوردار است. نمی‌توان از هیچ انسانی آزادیش را سلب کرد مگر در موارد زیر و آن هم در صورتی که سلب آزادی به شیوه مقرر در قانون صورت گیرد: الف) بازداشت قانونی یک شخص پس از صدور کیفرخواست توسط یک دادگاه صالح.

ب) دستگیری یا بازداشت قانونی یک شخص به علت سرپیچی از حکم قانونی یک دادگاه.

ج) دستگیری یا بازداشت قانونی شخصی که سوءظن معقولی در ارتکاب به جرم نسبت به او وجود داشته باشد به منظور احضار او در دادگاه.

د) بازداشت یک صغیر براساس یک قرار قانونی به منظور نظارت تحصیلی بر او یا قرار دادن وی تحت قیمومت و سرپرستی قانونی مقام صالح.

ه) بازداشت قانونی اشخاص به منظور جلوگیری از شیوع بیماری عفونی یا اشخاص مجنون، معتاد و الکلیک.

و) دستگیری یا بازداشت قانونی یک شخص به منظور جلوگیری از فرار کردن یا فراری دادن یک مجرم از حوزه قضایی که فعلاً در آن قرار دارد.»

یک بازداشت قانونی ممکن است به موجب استانداردهای بین‌المللی خودسرانه باشد در صورتی که:

۱. قانونی که در مورد اشخاص اجرا می‌گردد مبهم باشد.
۲. قانونی که در مورد اشخاص اجرا می‌گردد ناقض سایر استانداردهای بین‌المللی مثل آزادی باشد.

۳. بازداشت شده پس از صدور حکم برائت همچنان در بازداشت به سر ببرد.
 کمیسیون بین‌آمریکایی نیز سه نوع بازداشت را خودسرانه اعلام کرده است:

۱. بازداشتی که دستور آن توسط قوه مجریه یا مقننه با کسب رضایت از نیروهای امنیتی صادر می‌گردد.*

۲. بازداشتی که قانون را نقض می‌کند.
 ۳. بازداشتی که گرچه منطبق با قانون صورت می‌گیرد اما در نتیجه سوءاستفاده از قدرت صورت گرفته باشد.**

بازداشت یا حبس تنها از سوی اشخاصی می‌تواند صورت گیرد که برای آن هدف دارای صلاحیت و اختیار می‌باشند. اصل دوم از مجموعه اصول صراحتاً این رویه را که

- Annual Report of the inter - American Commission- 1980-1981.

- Inter - American Commission, Report No.13/196, Case11,430, Mexico, 15 October 1996.

در برخی از کشورها نیروهای امنیتی علی‌رغم نداشتن اختیار و صلاحیت قانونی اقدام به توقیف اشخاص می‌کنند، منع می‌کند. همچنین مقامات صالح نیز تنها در حدود اختیار قانونی خود باید عمل کرده و استفاده از قدرت توسط ایشان باید تحت نظارت مقامات قضایی صورت گیرد. اصل ۹ از مجموع اصول مقرر می‌دارد: «مقاماتی که یک شخص را بازداشت می‌کنند یا او را در بازداشت نگه می‌دارند یا او را مورد بازپرسی قرار می‌دهند باید در محدوده اختیاراتی که توسط قانون به آنها تفویض شده است عمل کنند و اجرا و اعمال این اختیارات باید با ارجاع مقام قضایی صورت پذیرد.» اصل ۲ نیز مقرر می‌دارد: «بازداشت یا حبس مطلقاً باید منطبق با مقررات قانونی و توسط مقامات رسمی یا اشخاصی که برای آن اهداف گمارده شده‌اند صورت گیرد.»

برطبق حق آزادی، متهم را نباید تا قبل از محاکمه در بازداشت نگه داشت. با این وجود استانداردهای بین‌المللی شرایطی را پیش‌بینی می‌کنند که در آن شرایط چاره‌ای جز بازداشت متهم نیست. به عنوان مثال جایی که خطر فرار متهم وجود دارد یا آزادی او دیگران را به خطر انداخته یا به آنها آسیب برساند. اصل ۳۹ از مجموعه اصول مقرر می‌دارد: «متهم نباید تا زمان محاکمه در بازداشت به سر ببرد مگر تحت شرایط خاصی که قانون پیش‌بینی کرده است و آن هم به موجب تصمیم مقام قضایی و این مقام باید ضرورت بازداشت را تأیید کند.»

گفتار دوم: حق مطلع شدن از علت بازداشت و اتهامات

هر شخصی که بازداشت می‌گردد باید بلافاصله علل بازداشت و سلب آزادی را به او اطلاع داد. بند ۲ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر شخصی که بازداشت می‌گردد بلافاصله در زمان دستگیری باید از علل بازداشت و اتهاماتی که علیه او وجود دارد مطلع گردد.» بند ۲ ماده ۱۱ مجموعه اصول نیز مقرر می‌دارد: «شخص بازداشت شده و وکیلش باید بلافاصله از قرار بازداشت و علل صدور آن مطلع گردند.» هدف اصلی از ضرورت اطلاع از علل بازداشت شخص متهم این است که به او فرصت داده شود مشروعیت و قانونی بودن بازداشت خود را زیر سؤال ببرد. بنابراین اطلاعاتی که به او داده می‌شوند باید کامل، تفصیلی و دقیق باشند و اساس حقیقی و

حقوقی بازداشت وی را دربر داشته باشد. به عنوان مثال کمیته حقوق بشر مقرر می‌دارد که صرف مطلع کردن متهم از اینکه بازداشت او برای حفظ امنیت ضروری بوده است بدون اینکه مفاد شکایت به او تفهیم گردد صحیح و کافی نیست. به همین جهت در قضیه‌ای که به موجب آن به متهم در زمان بازداشت اطلاع داده شده بود که به خاطر یک بازجویی قتل بازداشت می‌گردد اما تا چند هفته بعد حتی اطلاعاتی در مورد دلایل بازداشت و حتی هویت مقتول به او داده نشده بود کمیته حقوق بشر آن را ناقص بند ۲ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی دانست.*

دادگاه اروپا نیز به طور مشابه توضیح داد که منظور از بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپا این است که به زبانی ساده و قابل فهم برای متهم از علل بازداشت وی گفته شود به گونه‌ای که وی بتواند قانونی بودن بازداشت خود را نزد دادگاه زیر سؤال ببرد. با این حال دادگاه اعلام کرد که منظور این نیست که در زمان دستگیری تمام اتهامات و جزئیات به تفصیل برای متهم توضیح داده شود بلکه اطلاعاتی مختصر به گونه‌ای که متهم از علل بازداشت خود مطلع گردد، کفایت می‌کند. اما این به مفهوم نادیده گرفتن سایر اطلاعات نیست بلکه جزئیات اتهامات و بازداشت نیز باید در فاصله زمانی کوتاه و مناسبی به متهم تفهیم گردد.**

بند ۲ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اصل ۱۰ از مجموعه اصول به ضرورت مطلع کردن متهم از علل بازداشت و بلافاصله در هنگام بازداشت اشاره می‌کنند. اما در این خصوص اگر اطمینان حاصل شود که متهم اطلاعات کافی در مورد دلایل بازداشت خود دارد باید کمی آزادی عمل داد و یا حداقل در موضوعاتی که متهم از آنها اصلاع دارد، مطلع کردن وی را اختیاری و غیرضروری تلقی کرد. به عنوان مثال در قضیه‌ای که مقداری مواد مخدر در اتومبیل شخصی یافت شده بود و پس از بازداشت دلایل بازداشت به او تفهیم نشده و روز بعد به وی اطلاع داده شده بود کمیته حقوق بشر چنین اظهار نظر کرد که در این گونه شرایط معقول نیست که گفته شود متهم از دلایل بازداشت

- Kelly V.Jamaica.8April 1990.

- Campbell and Hartly. 30 August 1990.

خود نامطلع بوده است.*

بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپا مطلع گرداندن فوری متهم از علل بازداشتش را در زمان بازداشت ضروری اعلام کرده است. در اینجا مقصود از فوری، فوری عرفی است. دادگاه اروپا در این خصوص معتقد است که یک وقفه چند ساعته میان زمان بازداشت و دادن اطلاعات در مورد علل بازداشت خارج از مفهوم واژه فوری در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپا نیست بلکه این فاصله زمانی را باید معقول و عرفی دانست. شخصی که بازداشت می شود حق دارد بلافاصله از هر گونه اتهامی که علیه او مطرح می شود مطلع گردد. کمیسیون اروپا بیان داشت که بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپا ضروری می داند که شخص بازداشت شده به اندازه کافی از حقایق و دلایلی که اساس صدور قرار بازداشت وی بوده است مطلع گردد. به خصوص اینکه به متهم باید فرصت کافی در پذیرش یا انکار جرم اتهامی را داد.** دو هدف عمده از ضرورت مطلع کردن متهم از اتهامات کیفری مورد نظر است. اولین هدف آن است که به متهم امکان پاسخگویی اعطا می گردد و دومین هدف آن است که امکان طرح ایرادات و دفاعیات را برای متهم مهیا می کند. این اطلاعات در صورتی مؤثر واقع خواهد شد که به زبان متهم به وی تفهیم شود. در غیر این صورت متهم حق دارد به زبانی که برای او قابل فهم است اطلاعاتی در مورد حقوق خود، علل بازداشت و اتهاماتی که به او زده می شود را به دست آورد. اصل ۱۴ از مجموعه اصول مقرر می دارد: «شخصی که به طور کافی زبانی را که مقامات مسؤول برای تفهیم اطلاعات به او به کار می برند نمی فهمد، حق دارد بلافاصله اطلاعات موضوع اصول ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و همچنین کمک یک مترجم را در رابطه با جریانات قانونی محاکمه به زبانی که متوجه می شود دریافت کند.»

گفتار سوم: حق منع تعقیب به دلیل ارتکاب اعمالی که در زمان ارتکاب جرم محسوب نمی شوند

هیچ شخصی را نمی توان برای فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب به موجب قوانین

- Griffin V.Spain. 4 April 1995.

- Federal Republic of Germany.13 December 1978.

ملی یا بین‌المللی یا اصول کلی حقوق، جرم محسوب نمی‌شده است تحت تعقیب قرار داد.* پس قوانین کیفری را در هیچ حالتی حتی در حالت اضطراری نمی‌توان عطف به ماسبق کرد.** اصل عطف به ماسبق نشدن قانون نه تنها اقتضا می‌کند اشخاص نسبت به جرایم ارتكابی که در زمان ارتكاب جرم تلقی نمی‌شده‌اند تحت تعقیب قرار نگیرند، بلکه دولت‌ها را ملزم می‌کند که تمام جرایم کیفری را به طور دقیق تعریف کنند. در حقوق بین‌الملل یک جرم فعلی است که قوانین معاهدی یا قوانین عرفی بین‌المللی را نقض می‌کند. با این تفصیل جرم شناخته شدن عمل در عرصه بین‌المللی منوط به پیش‌بینی آن در قوانین داخلی نیست. بنابراین می‌توان اشخاص را برای ارتكاب به جرایمی همچون آدمکشی و سایر جرایم علیه انسانیت مثل برده‌داری و شکنجه تحت تعقیب قرار داد حتی اگر این جرایم در زمان ارتكاب به موجب قوانین محلی به عنوان جرایم کیفری تعریف نشده باشند.*** منع عطف به ماسبق شدن قوانین کیفری همچنین اقتضا می‌کند اگر مجازات جرم ارتكابی در زمان وقوع جرم کمتر بوده است همان مجازات در مورد مجرم اعمال گردد. اما بالعکس اگر مجازات جرم ارتكابی در زمان وقوع جرم نسبت به زمان محاکمه سنگین‌تر بوده باشد امکان عطف به ماسبق شدن فراهم است.

گفتار چهارم: حق مشاوره

هر شخص بازداشت شده حق دارد از یک وکیل قانونی برخوردار گردد. اصل یک از مجموعه اصول اساسی در نقش وکلا مقرر می‌دارد: «همه انسان‌ها حق دارند به انتخاب خود وکیلی برگزینند تا از حقوق آنها حمایت و در تمام مراحل دادرسی کیفری از آنها دفاع کند.» بند ۱ اصل ۱۷ مجموعه اصول مقرر می‌دارد: «شخص بازداشت شده باید

- Article 11(2) of the universal Declaration, Article 7 of the European Convention Article 9 of the American Convention.

- Article 4 of the ICCPR, Article 27(2) of the American Convention, Article 15(2) of the European Convention.

- Article 11(2) of the universal Declaration, Article 15(1) of the ICCPR, Article 7(2) of the European Convention.

حق برخورداری از یک وکیل قانونی را داشته باشد و مقام صالح باید بلافاصله پس از دستگیری او را از این حق مطلع گرداند و امکانات معقولی برای اعمال آن باید به وی داده شود.»

میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکا و کنوانسیون اروپا صراحتاً به این نکته که شخص در مراحل قبل از دادرسی از حق برخورداری از کمک یک وکیل برخوردار است اشاره نمی‌کنند. اما کمیته حقوق بشر، کمیسیون بین‌آمریکایی و دادگاه اروپا همگی به صراحت بیان می‌دارند که حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه مستلزم دسترسی به یک وکیل در طول بازداشت، بازرسی و تحقیقات مقدماتی است. کمیته حقوق بشر مقرر می‌دارد که همه اشخاصی که دستگیر می‌شوند باید دسترسی فوری به وکیل داشته باشند.*

کمیسیون بین‌آمریکایی نیز مقرر می‌دارد که حق دفاع از خود مستلزم آن است که به متهم اجازه داده شود در هنگام بازداشت از حمایت قانونی برخوردار گردد. در نتیجه قانونی که دسترسی به وکیل را در طی بازداشت و تحقیقات از متهم منع می‌کند می‌تواند به طور جدی تجاوزکننده و ناقض حقوق دفاعی باشد.** به طور مشابه، دادگاه اروپا اعلام کرده است که حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه به طور معمول مستلزم آن است که به متهم اجازه داده شود در طول مراحل اولیه تحقیقات پلیس از وکیل استفاده کند.

به طور معمول منظور از حق برخورداری از یک وکیل این است که متهم حق دارد به انتخاب خود یک وکیل قانونی برگزیند و اگر وی اقدام نکند مستحق است در مواردی که عدالت ایجاب می‌کند از داشتن وکیلی که توسط قاضی یا یک مقام قضایی انتخاب می‌گردد بهره‌مند گردد و اگر وی استطاعت مالی برای انتخاب وکیل نداشته باشد باید وکیل معاضدتی برای او منصوب گردد. تعیین اینکه آیا عدالت انتصاب وکیل معاضدتی را ایجاب می‌کند یا خیر عمدتاً بستگی به جدیت و اهمیت جرم اتهامی و شدت مجازات

- Concluding observation of the HRC: Georgia, UNDoc. CCPR/6/79 Add.74,9 April 1977, Para 28.

Annual Report of the Inter - American Commission 1985 - 1986.

دارد. اصل ۳ از اصول اساسی در نقش وکلا دولت‌ها را ملزم می‌کند بودجه‌ای کافی را جهت تشخیص به وکلای قانونی برای اشخاص ناتوان در نظر بگیرند.

بند ۲ از اصل ۱۷ مجموعه اصول مقرر می‌دارد: «اگر شخص بازداشت شده به انتخاب خود وکیلی برنگزیده باشد باید این حق به او داده شود که یک مقام قضایی یا مقام دیگر در تمام مواردی که عدالت ایجاب می‌کند یک وکیل قانونی برای او برگزیند و اگر او توانایی مالی برای پرداخت حق الوکاله وکیل نداشته باشد یک وکیل معاضدتی برای او منصوب گردد.» اصل ۶ از اصول اساسی در نقش وکلا مقرر می‌دارد: «به هر شخصی که دستگیر، بازداشت و یا متهم می‌گردد و دارای وکیل نیست در تمام مواردی که عدالت اقتضا کند باید این حق داده شود که یک وکیل صالح و متناسب با جرم اتهامی داشته باشد و اگر فاقد استطاعت مالی باشد، وکیل معاضدتی برایش نصب گردد.» اصل ۷ از اصول اساسی در نقش وکلا مقرر می‌دارد که دسترسی به یک وکیل باید بلافاصله پس از دستگیری متهم (حداکثر ۴۸ ساعت پس از دستگیری) امکان‌پذیر باشد. تأخیر در دسترسی به وکیل باید فقط در شرایط استثنایی که قانون پیش‌بینی کرده است مجاز باشد.

اصل ۸ از اصول اساسی در نقش وکلا اشعار می‌دارد که به تمام اشخاصی که دستگیر یا بازداشت می‌شوند باید فرصت، زمان و امکانات لازم داده شود تا با وکیل خود بدون هیچ‌گونه تأخیر و با اطمینان کامل مشاوره کنند. گرچه ماده ۶ کنوانسیون اروپا صراحتاً به حق متهم برای مشاوره با وکیل اشاره نمی‌کند اما کنوانسیون اروپا مقرر کرده از آنجا که مشاوره با وکیل بخش اصلی آماده کردن دفاعیات متهم است. لذا این ماده به طور ضمنی این حق را برای متهم به رسمیت شناخته است.*

اصل ۲۲ از مجموعه اصول اساسی در نقش وکلا دولت‌ها را ملزم می‌کند که به روابط میان وکلا و موکلین آنها که متکی بر اعتماد است احترام بگذارند و آنها را به رسمیت شناسند و به موجب بند ۵ از اصل ۱۸ مجموعه اصول این روابط نمی‌تواند به عنوان دلیل علیه متهم مورد استفاده قرار گیرد.

- Krocher and Moller V. Switzerland. 9 July 1981.

گفتار پنجم: حق حضور فوری نزد قاضی

هر شخصی که بازداشت می‌شود باید بلافاصله نزد قاضی یا مقام صالح دیگر که قانون پیش‌بینی کرده است حاضر گردد تا دادرسی در مورد وی اعمال و اجرا شود. بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر شخصی که به موجب یک اتهام کیفری دستگیر یا بازداشت شده است باید بلافاصله نزد یک قاضی یا یک مقام صالح دیگر که قانون پیش‌بینی کرده است آورده شود تا دادرسی اعمال گردد و باید در یک مدت زمان معقول محاکمه والا آزاد گردد...» بند ۱ اصل ۱۱ مجموعه اصول نیز مقرر می‌دارد: «هیچ شخصی را بدون اینکه به او فرصت حضور فوری نزد یک مقام قضایی داده شود نمی‌توان در بازداشت نگهداشت. به شخصی که بازداشت می‌گردد باید حق داده شود تا از خود دفاع کند یا به گونه‌ای که قانون پیش‌بینی کرده است وکیل اختیار کند.»

هدف از حضور متهم نزد مقام قضایی بررسی موارد زیر است:

۱. وجود دلایل قانونی کافی برای دستگیری

۲. ضرورت بازداشت قبل از محاکمه

۳. تأمین آسایش

۴. جلوگیری از نقض حقوق اساسی

کمیسیون بین‌آمریکایی مقرر داشته است که اگر دادگاه اطلاعات کافی در مورد یک بازداشت نداشته باشد یا این اطلاعات با تأخیر به دادگاه رسیده باشد حقوق شخص بازداشت شده حمایت نشده است.*

استانداردهای بین‌المللی مقرر می‌دارند که حاضر کردن متهم نزد دادگاه یا مقام صالح دیگر باید بلافاصله پس از بازداشت صورت گیرد. اما در خصوص تعیین مهلت کافی صراحتی ندارند که در این خصوص باید قایل بر آن بود که در هر قضیه وضعیت متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال کمیته حقوق بشر در یک قضیه که مجازات آن مرگ بود یک هفته تأخیر از زمان دستگیری متهم تا حاضر کردن او نزد قاضی را مدت معقولی ندانست و آن

- Inter - American Commission, second Report on the Human Rights situation in suriname, OEA/ser.L/V/11,66,doc.21 rev.1985.

را ناقض بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلام کرد.* همچنین دادگاه اروپا بازداشت یک شخص به مدت ۴ روز و ۶ ساعت قبل از حاضر کردن وی در دادگاه را دسترسی فوری محسوب نکرد.**

گفتار ششم: حق زیر سؤال بردن مشروعیت بازداشت

هر شخصی که بازداشت شده باشد حق دارد در حضور دادگاه ادعا کند که بازداشت او غیرقانونی بوده است. این حق، آزادی را تضمین می‌کند و از آزادی و سایر حقوق بشر در مقابل بازداشت خودسرانه حمایت می‌کند. بنابراین مقامات باید وضعیتی ایجاد کنند که شخص بازداشت شده بتواند در حضور قاضی بازداشت خود را زیر سؤال ببرد یا دلایل بازداشت خود را رد کند و دادگاه باید بلافاصله به دعاوی او رسیدگی کند و چنانچه ادعای او را پذیرفت و بازداشت او را غیرقانونی یافت حکم بر آزادی او بدهد.

بند ۴ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر شخصی که آزادی او به سبب بازداشت یا دستگیری سلب می‌گردد حق دارد نزد قاضی حضور یابد تا دادگاه بدون تأخیر در مورد قانونی بودن بازداشت وی اتخاذ تصمیم کند و در صورتی که بازداشت او را غیرقانونی بیابد حکم بر آزادی او دهد.» اصل ۳۲ از مجموعه اصول نیز مقرر می‌دارد:

۱. به شخص بازداشت شده یا وکیل وی باید حق داده شود در هر زمانی برطبق قانون محلی نزد مقام قضایی یا مقام صالح دیگر حضور یافته و قانونی بودن بازداشت خود را زیر سؤال ببرد تا اگر غیرقانونی بودن آن به اثبات برسد بدون تأخیر آزاد گردد.

۲. جریان ذکر شده در پاراگراف یک باید بدون تشریفات خاص و هزینه و با سادگی معمول انجام گردد. مقام بازداشت‌کننده باید بدون تأخیر نامعقول شخص بازداشت شده را جهت تجدیدنظر مجدد نزد قاضی حاضر گرداند.»

این امکان مهیا نمی‌گردد مگر آنکه رویه‌ای اتخاذ کنند که شخص بازداشت شده

- Mclawrence V.Jamaica.29 September 1997.

- Brogone V.united Kingdom. 29November 1988.

بتواند قانونی بودن بازداشت خود را به منظور آزادی زیر سؤال ببرد. این رویه‌ها باید ساده و سریع بوده و در صورتی که شخص بازداشت شده استطاعت مالی نداشته باشد بدون هزینه صورت گیرد. کمیته حقوق بشر و دادگاه اروپا مقرر داشته‌اند مقامی که می‌تواند در خصوص قانونی بودن یا غیرقانونی بودن بازداشت تصمیم‌گیری کند فقط یک دادگاه می‌تواند باشد. به همین جهت کمیته حقوق بشر در قضیه‌ای که به موجب آن یک فرد عالی‌رتبه نظامی در مورد قانونی بودن بازداشت یک متهم تصمیم‌گیری کرده بود اعلام کرد که نظریه او منطبق با شرایط بند ۴ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیست.^{۳۹} بررسی قانونی بودن بازداشت باید به منظور حصول اطمینان از این امر باشد که بازداشت منطبق با قواعد شکلی و ماهوی قانون محلی صورت گرفته باشد. این حق مستمر و همیشگی است. بنابراین هر شخصی که در بازداشت قرار دارد حق دارد در طول بازداشت از دادگاه بخواهد در مورد قانونی بودن بازداشت وی بازنگری کند. اصل ۳۹ مجموعه اصول مقرر می‌دارد: «به جز در موارد خاص که قانون مقرر داشته، شخصی که براساس یک اتهام کیفری بازداشت شده است باید این حق را داشته باشد که تقاضا کند تا زمان محاکمه با رعایت شرایط قانونی آزاد شود. مگر اینکه مقام قضایی یا یک مقام صالح دیگر در جهت اجرای عدالت تصمیمی برخلاف آن اتخاذ کرده باشد. به هر حال متهم حق دارد از مقام قضایی تقاضای بازنگری کند.»

از آنجا که ایراد به قانونی بودن بازداشت یک تضمین اساسی برای حمایت از سایر حقوق است به موجب کنوانسیون آمریکا دولت‌ها حتی در شرایط استثنایی مانند وضعیت اضطراری نمی‌توانند این حق را معلق گذرانند. کمیسیون حقوق بشر از تمام کشورها تقاضا کرده است که این حق را در تمام زمان‌ها و تحت همه شرایط حتی در حالت‌های اضطراری به صورت رویه درآورند.^{۴۰} این در حالی است که کنوانسیون اروپا و میثاق حقوق مدنی و سیاسی این حق را مشروط کرده‌اند و استثنائاتی را بر آن وارد ساخته‌اند.

_ Vuolanne V.Finland.7April 1989.

- Commission Resolution 1992/35.

گفتار هفتم: حق محاکمه در یک مدت زمان معقول یا آزادی از بازداشت

هر شخصی که به موجب یک اتهام کیفری بازداشت شده باشد حق دارد در یک مدت زمان معقول مورد محاکمه قرار گیرد. در غیر این صورت باید از بازداشت آزاد گردد. بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر شخصی که به موجب یک اتهام کیفری دستگیر یا بازداشت شده است باید بلافاصله نزد یک قاضی یا یک مقام صالح دیگر که قانون تجویز کرده حاضر گردد تا اقتدار قضایی در مورد او اعمال گردد. قاعده کلی نباید این باشد که متهم تا زمان محاکمه در بازداشت به سر برود بلکه باید به گونه‌ای باشد که شخص بتواند با دادن تضمیناتی برای اطمینان از حضور یافتن برای محاکمه آزاد گردد.» کمیسیون اروپا اعلام داشته است مدت زمانی که قبل از محاکمه در نظر گرفته می‌شود ممکن است از نظر بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپا معقول به نظر برسد اما همان زمان برای شخصی که در بازداشت قرار دارد ممکن است از نظر ماده ۵ کنوانسیون معقول تلقی نگردد. زیرا هدف آن است که از طول مدت زمان بازداشت تا زمان محاکمه کاسته شود نه اینکه سرعت محاکمه زیاد شود.* کمیته حقوق بشر در خصوص یک قضیه اعلام داشت در خصوص اتهامات مهم مانند قتل و آدم‌کشی اگر مظنون به مدت ۱۶ ماه بدون محاکمه در بازداشت نگهداشته شود، حق انجام محاکمه در یک زمان معقول نقض شده است.** همچنین در قضیه‌ای دیگر نیز که شخصی به اتهام توطئه در ارتش ۵ یا ۸ ماه در بازداشت به سر برده بود بدون اینکه در طول آن مدت محاکمه گردد اعلام داشت که بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نقض شده زیرا متهم در یک مدت زمان معقول نزد قاضی یا یک مقام صالح دیگر فرستاده نشده است.*** دادگاه بین‌المللی آمریکا نیز تأخیر در محاکمه شخص بازداشت شده را به مدت سه سال و نیم نقض‌کننده فرضیه بی‌گناهی اشخاص تلقی کرد و متعاقباً اعلام کرد که بازداشت شخص در مدت زمانی بیش از مدت زمان در نظر گرفته شده

- Haase V. Federal Republic of Germany. 12 July 1977.

- Mclawrence V. Jamaica 29 September 1997.

- Pietrarroia V. Uruguay. 27 March 1981

برای آن جرم و آن هم بدون انجام محاکمه، بی عدالتی محض است.*

گفتار هشتم: حق سکوت

حق متهم در اختیار کردن سکوت در طول بازپرسی و محاکمه از فرضیه بی گناهی و جلوگیری از اجبار او به اقرار یا گواهی علیه خود ناشی می شود. مقامات قانونی همیشه تلاش دارند به هر طریق ممکن از متهم آن را سلب کنند چرا که تلاش های آنها را بی ثمر می گذارد. بسیاری از سیستم های حقوق ملی حق سکوت را پذیرفته اند. اگرچه معاهدات حقوق بشر صریحاً به آن اشاره ندارند اما کنوانسیون اروپا به طور ضمنی آن را پذیرفته است و در میثاق حقوق مدنی و سیاسی این حق به رسمیت شناخته شده است. دادگاه اروپا اعلام داشت اگرچه حق سکوت صراحتاً در ماده ۶ کنوانسیون اروپا نیامده اما بدون شک این حق به موجب استانداردهای بین المللی پذیرفته شده است و در قلب نظریه دادرسی عادلانه قرار دارد.**

گفتار نهم: حق برخورداری از مدت زمان معقول و امکانات کافی برای فراهم کردن

دفاعیات

حق برخورداری از فرصت و امکانات کافی برای دفاع از بی گناهی یکی از جنبه های اساسی اصل برابری بازو هاست. دفاع از بی گناهی و اثبات اتهام باید به عنوان دو کفه یک ترازو در نظر گرفته شوند که برای هر دو فرصتی برابر در طول جریان دادرسی در نظر گرفته شود. حق برخورداری از فرصت و امکانات کافی برای تهیه دفاعیات باید در تمام مراحل دادرسی هم برای متهم و هم برای وکیل او به رسمیت شناخته شود. بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «هر شخصی که به یک جرم کیفری متهم می گردد تا زمانی که تقصیر و جرم او منطبق با قانون در یک محاکمه علنی که در آن امکانات کافی برای تهیه دفاعیات به متهم داده نشده ثابت نگردیده است بی گناه تلقی می گردد.» پاراگراف ب بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می دارد:

- Suarez Rosero Case. 12March1992.

- Murray V.united Kingdom. 8February1996.

«در اثبات اتهام علیه متهم تضمینات زیر حق مسلم متهم می‌باشد.»

ب: «برخورداری از فرصت و امکانات کافی برای تهیه دفاعیات و انتخاب و مشاوره با وکیل...»

این حق مستلزم آن است که به متهم اجازه داده شود با وکیل خود با اطمینان رابطه برقرار کند. این اجازه به خصوص در رابطه با متهمی که در بازداشت قرار دارد اهمیت دارد. فرصت کافی برای تهیه دفاعیات به ماهیت و مرحله جریان دادرسی و شرایط موضوعی قضیه بستگی دارد. عواملی چون اهمیت و پیچیدگی قضیه، میزان دسترسی متهم به دلایل و وکیل و همچنین مدت زمانی که قانون محلی تجویز می‌کند نیز از عوامل مؤثر می‌باشند. مدت زمانی که شخص در بازداشت نگهداشته می‌شود نیز ممکن است در میزان فرصتی که به او برای تهیه دفاعیات داده می‌شود مؤثر باشد. پس چنانچه متهم ادعا کند که فرصت کافی برای تهیه دفاعیات به او داده نشده است باید بتواند از دادگاه محلی تقاضا کند که جلسه محاکمه یا جریان دادرسی را به تأخیر بیاورد. همچنین است زمانی که نصب یا انتخاب یک وکیل جدید مطرح می‌شود. کمیته حقوق بشر در قضیه‌ای که یک وکیل جدید برای متهم انتخاب شده بود و متهم تا زمان محاکمه فقط ده دقیقه فرصت داشت با وکیل خود مشاوره کند و وکیل اولیه هم نتوانسته بود در مراحل مقدماتی دادرسی شرکت کند، اعلام کرد که بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نقض شده است.[#] حق دسترسی به امکانات کافی برای دفاع از بی‌گناهی متهم مستلزم آن است که اطلاعاتی بجا و مناسب از جمله اسناد و سایر اطلاعاتی که در اثبات بی‌گناهی یا تخفیف مجازات متهم مؤثر است در اختیار متهم و وکیل وی قرار داده شود. چنین اطلاعاتی این فرصت را نیز به متهم می‌دهد که در خصوص مشاهدات و دلایلی که علیه او ارایه شده است اطلاع پیدا کند و در مورد آنها اظهار نظر کند. اصل ۲۱ از اصول اساسی در نقش وکلا اشعار می‌دارد: «مقامات صالح موظفند اطمینان حاصل کنند که وکلا به اطلاعات لازم و مناسب و فرصت کافی برای تهیه دلایل و دفاعیات و مشاوره با موکل دسترسی پیدا کرده‌اند. دسترسی به اطلاعات باید در اولین فرصت مناسب

- Reid V. Jamaical. 8July1994.

صورت گردد.»

کمیسیون اروپا اعلام کرده است که حق برخورداری از امکانات کافی برای تهیه دفاعیات بیانگر حق دسترسی معقول به دلایل اتهامات است. بخشی از اطلاعات ضروری این است که متهم بلافاصله از نوع و شرایط اتهام خود مطلع گردد. پاراگراف الف بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد که در اثبات اتهام، متهم حق دارد از تضمینات زیر برخوردار گردد.

الف - «بلافاصله باید به زبانی که می‌فهمد ماهیت و علت اتهام به او اطلاع داده شود.» پاراگراف ب بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکا نیز مقرر می‌دارد: «هر شخصی که به یک جرم کیفری متهم می‌گردد حق دارد بی‌گناه تلقی گردد تا اینکه گناه او بر طبق قانون به اثبات برسد. متهم در طول جریان دادرسی حق دارد از تضمینات زیر برخوردار گردد:

ب: جزییات اتهاماتی که به او نسبت داده شده برایش تشریح گردد.» همچنین است پاراگراف الف بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپا «هر شخصی که به یک جرم کیفری متهم شده باشد از حقوق زیر برخوردار است: الف - بلافاصله ماهیت و علت اتهام به زبانی که برایش قابل فهم است به او توضیح داده شود.»

برای اینکه محاکمه عادلانه باشد، اطلاعات مربوطه به ماهیت و علت اتهامات که در اختیار متهم گذاشته می‌شود باید تفصیلی باشد. کمیته حقوق بشر اعلام کرد اطلاعاتی که در مورد اتهامات به متهم داده می‌شود باید هم شامل مسایل موضوعی و هم مسایلی کلی که اتهام براساس آنها استوار است باشد. رایه اطلاعات به متهم ممکن است به صورت شفاهی یا کتبی باشد.*

گفتار دهم: حق برخورداری از شرایط انسانی و آزادی از شکنجه در طول بازداشت

هیچ انسانی را نمی‌توان شکنجه کرد و اعمال ظالمانه و غیرانسانی نسبت به هیچ انسانی روا نیست.

مقررات ذیل به این مهم اشاره دارند:

- Human Rights Committee General comment 13, para 8.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «شکنجه، مجازات و اعمال ظالمانه و غیرانسانی نسبت به هیچ انسانی جایز نیست.» ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «شکنجه، مجازات و اعمال ظالمانه و غیرانسانی نسبت به هیچ انسانی روا نیست. همچنین آزمایشات علمی و پزشکی بر روی هیچ شخصی بدون رضایت او جایز نیست.» اصل ۶ مجموعه اصول: «شکنجه و اعمال ظالمانه و غیرانسانی نسبت به هیچ شخصی روا نیست و در هیچ شرایطی نمی‌توان این گونه اعمال را توجیه کرد.»

این حق مطلق است و در مورد همه انسان‌ها اعمال می‌گردد. این گونه اعمال حتی در زمان جنگ، بی‌ثباتی‌های سیاسی داخلی و حالات اضطراری قابل توجیه نیست. حتی اگر مقامات مافوق نیز دستور این اعمال را صادر کرده باشند، اجرای دستورات آنها قابل توجیه نیست چرا که این اعمال برخلاف استانداردهای بین‌المللی می‌باشند. شکنجه و اعمال غیرانسانی هم شامل اعمال فیزیکی و هم شامل اعمال روانی که موجب رنجش و آزار فکر و روحیه اشخاص شود می‌باشد. کمیته حقوق بشر اعلام کرد که در زندان و هر مکانی که شخص بازداشت شده در آنجا نگهداری می‌شود نمی‌توان از وسایل شکنجه و هرگونه وسیله یا ابزاری که بتوان با آن اعمال غیرانسانی انجام داد نگهداری کرد. همچنین متهم را نمی‌توان در سلول‌های تاریک حبس کرد.* چرا که حبس در سلول‌های انفرادی از جمله اعمال غیرانسانی محسوب می‌شود و ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی را نقض می‌کند. کمیسیون بین‌آمریکایی نیز با این عقیده همگام است چرا که هیچ توجیهی برای استفاده از این گونه سلول‌ها وجود ندارد.**

استانداردهای بین‌المللی استفاده از زور توسط مقامات قانونی علیه بازداشت‌شدگان را محکوم می‌کنند. مجریان قانون تنها در موارد محدود و فقط در صورتی که ضرورت داشته باشد و در شرایط خاص می‌توانند از زور استفاده کنند. در هر حال باید جدیت و اهمیت اتهام و اهداف قانونی را که مدنظر قانونگذاران است در نظر داشته باشند. استفاده از زور فقط در صورتی قابل توجیه است که متهم در مقابل اجرای قانون یا حکم و قرار

- Human Rights Committee General Comment 20 para 11.

- Annual Report of the inter - American Commission 1981 - 1982.

مقام قضایی مقاومت کند و از انجام آن سرپیچی کند و به طور کلی امنیت تهدید شود و هیچ ابزاری به غیر از زور کارساز و مؤثر واقع نشود.

فصل دوم: حقوق متهم در جریان محاکمه

گفتار اول: حق برابری در پیشگاه دادگاه

همه انسان‌ها از حق برابری در برابر قانون، دادگاه‌ها و دیوان‌ها برخوردارند. مقررات ذیل به این حق اشاره می‌کنند.

ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «همه انسان‌ها نزد قانون برابر و بدون تبعیض از حمایت مساوی قانون برخوردارند. همه در برابر هرگونه نقض این اعلامیه از حمایت مساوی برخوردارند.»

بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «تمام کشورهای عضو باید به حقوق اشخاصی که در درون قلمرو آنها هستند احترام گذاشته بدون اینکه میان آنها از جهت رنگ، نژاد، جنس، زبان، مذهب، سیاست، ریشه اجتماعی و ملی، دارایی، تولد و سایر ویژگی‌های شخصی و اجتماعی تبعیض و تفاوت قایل شوند.»

ماده ۲۶ نیز اعلام می‌دارد: «همه انسان‌ها در برابر قانون و بدون هرگونه تبعیض از حمایت قانون برخوردارند. قانون باید از هرگونه تبعیض جلوگیری کند و حمایت مؤثر و برابری نسبت به همه انسان‌ها به عمل آورد و از جهت نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ریشه‌های اجتماعی، ویژگی‌های سیاسی، دارایی، تولد و سایر ویژگی‌های فردی و نژادی تفاوتی میان آنها قایل نشود.»

همچنین است بند ۱ ماده ۱۴ همان مقرر: «همه انسان‌ها باید نزد دادگاه‌ها و دیوان‌ها برابر باشند.»

کمیته حقوق بشر اعلام داشته است که بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی دولت‌ها را ملزم می‌کند که از همه مردان و زنان در برخورداری یکسان از حقوق مدنی و سیاسی حمایت کنند. ملیت‌های خارجی نیز نزد دادگاه باید از حقوق مساوی برخوردار باشند.

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «همه انسان‌ها در مطالبه حقوق و اجرای

تعهدات و همچنین در رابطه با اتهاماتی که بر علیه آنها مطرح می‌شود در دادگاه مستقل و بی‌طرف مستحق برخورد یکسان می‌شوند.»

گفتار دوم: حق محاکمه توسط یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف

عمده‌ترین عامل تضمین یک محاکمه عادلانه این است که تصمیمات توسط سازمان‌های سیاسی اتخاذ نگردد بلکه دادگاه‌های صالح، مستقل و بی‌طرف تصمیم‌گیری کنند که توسط قانون نیز تشکیل شده باشند چرا که حقوقی که برای متهم در طول جریان رسیدگی متصور است برخاسته از قانون و حمایت شده از سوی قانون می‌باشد.^{*} به موجب بند ۲ ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکا تصمیمات قضایی مهم که در جهت حمایت از حقوق بشر وضع شده‌اند از جمله حق برخورداری از یک سیستم قضایی صالح، مستقل و بی‌طرف را نمی‌توان حتی در وضعیت‌های اضطراری به تعلیق و تعویق انداخت.^{**} هدف از این مقرر این است که در قضایای کیفری اطمینان حاصل شود که محاکمات در دادگاه‌ها یا دیوان‌هایی که برای رسیدگی موردی تشکیل شده‌اند، انجام نگیرد. دادگاهی که صلاحیت قانونی برای محاکمه یک متهم را دارد اختیار و صلاحیت خود را از قانون کسب کرده است و درخصوص آن شخص و موضوع اتهام صلاحیت رسیدگی و محاکمه دارد و این محاکمه در صورتی عادلانه است که توسط دادگاه مستقل صورت گیرد. بدان مفهوم که مقامات تصمیم‌گیرنده قضایی در هر قضیه خاص در رسیدگی به اتهاماتی که به آنها ارجاع می‌گردد با بیطرفی و با رعایت و توجه به واقعیت‌ها و منطبق با قانون و بدون هیچ‌گونه دخالت، فشار یا نفوذ ناروای خارجی چه از سوی قوای دولتی و چه از سوی غیرقوای دولتی، تصمیم‌گیری کنند. مفهوم دیگر استقلال دادگاه این است که اشخاصی که به عنوان قضات منصوب می‌گردند براساس تخصص قانونی نصب گردیده باشند.

- Article 10 of the universal Declaration Article 14(1) of the ICCPR, Article 8(1) and 27(2) of the American convention, Article 6(1) of the European Convention.

- Inter _ American Court, Advisory opinion. 30 January 1987.

گفتار سوم: حق محاکمه علنی

محاکمه دادگاه‌ها جز در شرایط استثنایی خاص باید علنی باشد.* علنی بودن جلسه دادگاه این است که نه تنها طرفین بلکه عموم مردم نیز در جلسه دادگاه حضور یابند. جامعه حق دارد بداند که عدالت چگونه اجرا می‌شود و سیستم قضایی چگونه تصمیماتی اتخاذ می‌کند.

یک محاکمه علنی مستلزم آن است که عبارات مربوط به ماهیت دعوا شفافاً در حضور حاضرین و از جمله خبرنگاران قرائت گردد. دادگاه‌ها به این منظور باید امکانات لازم را فراهم آورند.** اینکه آیا محاکمات در مرحله پژوهش نیز باید علنی صورت گیرند یا خیر، بستگی به ماهیت پژوهش دارد. دادگاه اروپا اعلام کرد در صورتی که محاکمه بدوی به صورت علنی صورت گرفته باشد نیازی به علنی بودن آن در مرحله پژوهشی نیست مگر اینکه وضعیت به گونه‌ای باشد که قابلیت طرح مسایل هم موضوعی و هم حکمی وجود داشته باشد.***

مواردی که علنی بودن محاکمه ممنوع می‌گردد در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپا برشمرده شده است:

۱. محاکمه اخلاقی (مثلاً در مواردی که موضوع محاکمه رسیدگی به جرایم جنسی است)

۲. نظم عمومی

۳. امنیت ملی

۴. رعایت منافع بزهکاران یا متهمان

۵. مواردی که عدالت ایجاب می‌کند

حقوق بین‌الملل به دولت‌ها این اجازه را نمی‌دهد که مسأله امنیت ملی را خودسرانه تعریف کنند و به بهانه حفظ امنیت ملی محدودیت‌هایی را ایجاد کنند.

- Article 10 of the universal Declaration, Article 8(5) of the American Convention principle 36(1) of the Body of principles Article 6(1) of the European Convention.

- Van meurs V. the Netherlands. 13July1990.

- Fredin V.sweden.23February1994.

متخصصان حقوق بین‌الملل معتقدند محدودیتی که بر مبنای امنیت ملی توجیه می‌شود مشروع نیست مگر اینکه هدف اصلی آن حمایت از موجودیت و تمامیت ارضی کشور در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی باشد.* کمیسیون اروپا اعلام کرد که به موجب بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپا محاکماتی که موضوع آن رسیدگی به جرایم جنسی علیه کودکان است باید غیرعلنی صورت گیرد.** به موجب بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکا، حق محاکمه علنی در دادسرای کیفری فقط در صورتی با استنثار روبرو می‌شود که عدالت اقتضای آن را داشته باشد.

در پرو محاکمات به صورت غیرعلنی صورت می‌گرفت و حتی هویت قضات بر متهمان مشخص نمی‌شد و قضات در پرونده‌ها به جای استفاده از نام خود از اعداد استفاده می‌کردند و هویت آنها فقط برای مقامات قضایی روشن بود. کمیته حقوق بشر از دولت پرو تقاضا کرد*** که سیستم محاکمات علنی را حتی در قضایای جرایم تروریستی جانشین آن کند. اگرچه این سیستم در پرو کنار گذاشته شد اما محاکمه جرایم تروریستی همچنان پشت درهای بسته صورت می‌گیرد.

گفتار چهارم: حق بی‌گناه تلقی شدن تا صدور حکم نهایی

هر شخصی حق دارد بی‌گناه تلقی گردد.**** و با او بسان یک انسان بی‌گناه رفتار شود مگر اینکه در یک محاکمه قانونی و عادلانه خلاف آن ثابت گردد.***** حق فرضیه بی‌گناهی نه تنها در خصوص برخورد دادگاه با متهمان بلکه در خصوص هرگونه برخوردی که قبل از محاکمه با متهم می‌شود اعمال می‌گردد. این حق به نفع مظنونین تا زمانی که جرم آنها به موجب حکم نهایی دادگاه به اثبات برسد اعمال می‌گردد. فرضیه بی‌گناهی باعث می‌شود قضات و هیأت منصفه قبل از محاکمه پیشداوری نکنند و به

- The johannesburg principles on national security. Freedom of Expression and Access to information, October 1995.

- X V.Austria 30 April 1965.

- Preliminary observation of the HRC: peru, UNDOC.25 July 1996

- The presumption of innocence.

- Article 11 of the universal Declaration, Article 14(2) of the ICCPR.

متهمان به دیده حقارت نگاه نکنند.

همچنین پلیس و بازپرسان باید از ادای کلمات و عبارات توهین آمیز نسبت به متهمین و مظنونین اجتناب کنند و همچنین رسانه‌های خبری و گروه‌های مقتدر اجتماعی بر محاکمه مظنونین تأثیرگذار نباشند.* با همه اینها فرضیه بی‌گناهی مانع از آن نیست که مقامات دولتی و پلیس تحقیقات جنایی را به اطلاع عموم برساند و یا نامی از مظنون ببرند یا اعلام کنند مظنونی دستگیر شده یا اقرار کرده است امانی تواند شخصی را مجرم اعلام کنند.** این فرضیه که انسان‌هایی گناه تلقی می‌گردند مگر اینکه جرم ارتكابی طی یک محاکمه قانونی و عادلانه به اثبات برسد، تأثیرات فراوانی در محاکمه کیفری به جا می‌گذارد. فرضیه بی‌گناهی متضمن این مفهوم است که اگر اتهامی به شخصی نسبت داده می‌شود شخص یا مقامی که چنین اتهامی را به مظنون نسبت داده است باید آن را به اثبات برساند و اگر تردید معقولی درخصوص بی‌گناهی او وجود دارد او را بی‌گناه تلقی کرد، پس برای اینکه متهم محکوم گردد دادگاه باید نسبت به جرم ارتكابی متهم توجیه و اقناع شده باشد. عملکرد دادگاه باید مبتنی بر فرضیه بی‌گناهی باشد. قضات در رسیدگی و محاکمه متهمان نباید تجسمی از مجرمیت آنها داشته باشند و تا قبل از محاکمه باید آنها را بی‌گناه تلقی کنند. بنابراین متهم باید بسان یک انسان بی‌گناه در جلسه دادگاه حاضر شود. پس دستبند زدن و لباس زندانی پوشاندن با این هدف در تعارض است.

گفتار پنجم: حق منع محاکمه مکرر

اگر شخصی به موجب حکم نهایی دادگاه به یک جرم کیفری متهم و محاکمه شده باشد یا از آن جرم تبرئه شده باشد نمی‌توان او را مجدداً در همان حوزه قضایی محاکمه یا مجازات کرد. بند ۷ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «شخصی را که به موجب قانون و آیین دادرسی کیفری یک کشور یک مرتبه به خاطر ارتكاب یک جرم محاکمه شده یا تبرئه شده است نمی‌توان مجدداً به خاطر همان جرم مورد محاکمه

- Human Rights committee General Comment 13. para7.

- Krause V. Switzerland. 3 October1987.

یا مجازات قرار داد.»

ماده ۴ پروتکل ۷ کنوانسیون اروپا مقرر می‌دارد:

« ۱. شخصی را که به موجب قانون و آیین دادرسی کیفری یک کشور یک مرتبه به خاطر ارتکاب یک جرم محاکمه شده یا تبرئه شده است نمی‌توان مجدداً به خاطر همان جرم مورد محاکمه یا مجازات قرار داد.

۲. مقررات پاراگراف قبل مانع از آن نیست که اگر حقایق جدیدی در مورد آن قضیه کشف گردد یا مشخص گردد که در دادرسی قبلی اشکالاتی وجود داشته که بر نتیجه حکم تأثیر گذاشته است همان قضیه مجدداً بر طبق قانون و آیین دادرسی کیفری آن کشور در دادگاه مفتوح گردد.»

این مقرر در مورد همه انواع جرایم کیفری با هر نوع شدت اعمال می‌گردد حتی در مورد اعمالی که به موجب قوانین محلی یک کشور کیفری تلقی نشده اما به موجب استانداردهای بین‌المللی کیفری تلقی می‌گردند. اصل منع تعقیب و مجازات مکرر هنگامی اعمال می‌گردد که حکم نهایی در خصوص یک جرم صادر شده باشد و مراحل پژوهش و تجدیدنظر نیز گذاشته باشد و به طور کلی حکم قطعی شده باشد.

گفتار ششم: حق محاکمه شدن بدون تأخیر نامعقول

جریان دادرسی کیفری باید در یک مدت زمان معقول شروع و خاتمه یابد.* حق محاکمه فوری با حق آزادی، فرضیه بی‌گناهی و حق دفاع از خود رابطه تنگاتنگی دارد. هدف از این حق این است که سرنوشت شخص هرچه سریع‌تر و بدون تأخیر نامعقول مشخص شود، به دفاعیات متهم ارزش گذاشته شود، شهود حادثه را فراموش نکنند و یا باگذشت زمان طولانی دسترسی به آنها را دشوار نکند.

دوره زمانی یاد شده از هنگامی شروع می‌شود که مظنون مطلع می‌شود که مقامات به منظور تعقیب او دست به اقداماتی زده‌اند و پایان آن هنگامی است که حکم صادر گشته و مراحل پژوهش نیز گذشته و حکم قطعیت یافته است. کمیته حقوق بشر اعلام

- Article 14(3) (c) of the ICCPR. Article 8(1) of the American convention. Article 6(1) of the European Convention.

داشت که هدف از این حق صرفاً این نیست که محاکمه متهم هرچه سریع‌تر آغاز گردد بلکه طول دوره محاکمه و پایان آن نیز باید در یک مدت زمان معقول باشد.* مدتی که در هر قضیه باتوجه به شرایط و اوضاع و احوال آن متفاوت است. قانون ملی، اینکه آیا متهم در بازداشت به سر می‌برد یا خیر، پیچیدگی قضیه و عملکرد متهم و مقامات از جمله مهمترین عناصری هستند که در تعیین مدت زمان معقول نقش دارند. در برخی موارد محاکماتی که ده سال به طول انجامیده‌اند از لحاظ طول مدت زمان معقول بوده‌اند در حالی که در مواردی دیگر محاکماتی که کمتر از یک سال به طول انجامیده‌اند از لحاظ طول مدت زمان نامعقول بوده‌اند.

درخصوص پیچیدگی قضیه عناصر بسیاری در تعیین مدت زمان معقول می‌توانند دخالت داشته باشند از جمله ماهیت و شدت جرم اتهامی، تعداد اتهاماتی که متوجه متهم است، ماهیت تحقیقاتی ضروری و تعداد متهمان و تعداد شهود. جرایم مربوط به داروها و مواد مخدر، جرایم اقتصادی، جرایمی که جنبه بین‌المللی دارند، جرایم مربوط به سازمان‌های تروریستی و قتل‌های زنجیره‌ای از نوع جرایمی هستند که از پیچیدگی بیشتری برخوردارند. بنابراین اصول مدت زمان معقول در مورد این‌گونه جرایم می‌تواند بیشتر از طول مدت زمان معقول برای جرایم عادی باشد. دادگاه اروپا در مورد قضیه‌ای که ۷۲۳ متهم داشت و مشتمل بر ۶۰۷ جرم بود مدت هشت سال و سه ماه را یک مدت معقول تشخیص داد. اما مدت زمان ۶ سال برای تجدیدنظر در حکم دادگاه بدوی را مدت زمان نامعقول اعلام کرد.**

مقامات موظفند در پیشبرد جریان دادرسی تسریع کنند و هرگونه تأخیری که ناشی از غفلت و مسامحه آن باشد موجب می‌شود که مدت زمان دادرسی نامعقول تلقی گردد. همچنین است اگر سیستم قضایی کشور از تسریع جریان دادرسی جلوگیری کند و موانعی در مقابل آن ایجاد کند. دادگاه اروپا مدت زمان پانزده ماه و نیم از زمان ثبت پژوهش در دادگاه بدوی تا زمان انتقال آن به دادگاه تجدیدنظر را نامعقول اعلام

- Human Rights Committee General Comment 13 para 10.

- Mitapand Muftuolu V.Turkey. 25 March 1996.

کرد.*

گفتار هفتم: حق دفاع از خود شخصاً یا توسط وکیل

هر شخصی که به ارتکاب یک جرم متهم شده، حق دارد در برابر اتهاماتی که علیه او جاری شده است در مقام دفاع برآید و از خود دفاع کند.** برای آنکه حق دفاع مفهوم داشته باشد باید به متهم حق داده شود که در جلسه محاکمه حضور یابد و از خود دفاع کند. این حق می‌تواند به وکیل اعطا گردد. وکیلی که به انتخاب برگزیده می‌شود. برخوردار از وکیل مهمترین ابزار تضمین حمایت از حقوق متهمان به جرایم کیفری به خصوص در تضمین حق آنها برای برخوردار از یک محاکمه عادلانه است. امکانی که باید به متهم اطلاع داده شود.*** برای اینکه این حق مؤثر باشد باید در فاصله زمانی معقولی قبل از محاکمه به متهم اطلاع داده شود تا او بتواند با برگزیدن وکیل دلایل و مدافعات خود را تهیه کند.**** نظر به اهمیت روابط محرمانه میان متهم و وکیل علی‌الاصول متهم ترجیح می‌دهد که وکیلش را شخصاً انتخاب کند. حق متهم در انتخاب وکیل حق مطلق نیست. به خصوص اگر حق الوکاله توسط دولت پرداخت گردد. با این وجود کمیسیون حقوق بشر اعلام کرد در اتهاماتی که مجازات آن مرگ باشد دادگاه باید دکیل انتخابی متهم را ترجیح دهد.***** دادگاه اروپا اعلام کرد که دادگاه‌های ملی در برگزیدن وکیل برای متهم باید به خواسته‌های متهم توجه داشته باشند مگر در مواردی که عدالت خلاف آن را ایجاب کند.*****

گفتار هشتم: حق حضور در جلسه دادگاه

این حق بخش ضروری برای اعمال حق دفاع متهم است. گرچه کنوانسیون اروپا

- Bunkate V.the Netherlands. 26May1993.

- Article 11(1) of the universal Declaration. Article 14(3) (d) of the ICCPR, Article 8(2) (d) of the American Convention, Article 6(3) (c) of the European Convention.

- Robinson V. Jamaica. 30 March 1989.

- Principle 5 of the Basic Principles on the Role of lawyers. Article 14(3)(d) of the ICCPR.

- Baader, Raspe V.Federal Republic of the Germany 8 July 1978.

- Croissant V.Germany 25 September 1992.

صراحتاً این حق را برای متهم پیش‌بینی نکرده است اما دادگاه اروپا اعلام کرد که این حق از هدف ماده ۶ کنوانسیون اروپا بدست می‌آید.^{*} حق حضور متهم در جلسه دادگاه این وظیفه را بر مقامات تحمیل می‌کند که درخصوص زمان و مکان محاکمه اطلاعات زیاد را به متهم بدهند. حق حضور متهم در مراحل پژوهش به ماهیت جریان دادرسی بستگی دارد. به خصوص بستگی به آن دارد که آیا دادگاه مسایل موضوعی را نیز در کنار مسایل حکمی بررسی می‌کند یا خیر؟ اگر دادگاه پژوهش صلاحیت رسیدگی به مسایل حکمی و هم موضوعی را داشته باشد یک محاکمه عادلانه مستلزم حضور متهم خواهد بود.

گفتار نهم: حق احضار شهود

این حق این فرصت را به متهم می‌دهد که از شهود به نفع خود سؤال کند یا شهودی را که برای شهادت علیه او حاضر می‌شوند را جرح کند.^{**} پس استفاده از شهود بی‌نام و نشان (Anonymous witnesses) علیه متهم می‌تواند محاکمه را غیر عادلانه جلوه دهد چرا که متهم شهود را نمی‌شناسد و در نتیجه امکان جرح آنها برای وی فراهم نمی‌باشد. دادگاه اروپا در این خصوص که آیا می‌توان از شهود ناشناس استفاده کرد یا خیر نظر خاصی ابراز نکرده اما اعلام کرده است که استفاده از این گونه شهود باید بسیار محدود باشد.^{***} در یک قضیه دو شخص اطلاعاتی درخصوص وقوع جرم به پلیس دادند و متعاقباً برای ادای شهادت آمادگی خود را اعلام کردند اما هویت آنها برای متهم معلوم نشد. دادگاه اروپا اعلام کرد اگرچه متهم به طور کتبی سؤالاتی از شهود پرسیده است اما به دلیل آنکه شهود برای متهم ناشناخته بوده‌اند و متهم از این اطلاعات کافی برای جرح آنها و ایراد بر اعتبار آنها برخوردار نبوده لذا حقوق متهم نقض شده است.^{****} دادگاه اروپا در یک قضیه دیگر نیز که دو پلیس بدون آنکه هویت آنها بر متهم روشن شود علیه متهم شهادت داده و متهم فقط صدای آنها را می‌شنیده است حکم بر غیر عادلانه بودن

- Cobzza and Rubiant. 12February1985.

- Article 14(3)(e) of the ICCPR, Article 6(3)(d) of the European Convention, Article 8(2)(f) of the American Convention.

- Doorson V, the Netherlands. 26March 1996.

- Windisch Case. 27 September 1990 - Kostovski V. the Netherlands, 20November1989.

محاكمه و نقض حقوق متهم داد.* در برخی موارد حق متهم در ایراد کردن نسبت به شهودی که علیه او حاضر به شهادت شده‌اند محدود می‌گردد.

این موارد عبارتند از:

۱. چنانچه عملکرد متهم ایراد کردن به شهود را غیرممکن سازد. به عنوان مثال می‌توان به متواری بودن متهم اشاره کرد.

۲. در صورتی که دسترسی به شهود غیرممکن باشد.

۳. در صورتی که شهود ترس معقولی از انتقام‌جویی متهم** داشته باشند. دادگاه اروپا در قضیه‌ای که متهم پس از سه سال غیبت در جلسه دادگاه حضور یافته بود و دسترسی به شهود در آن زمان امکان‌پذیر نبود اعلام کرد از آنجایی که علت غیرقابل دسترس بودن شهود خود متهم و عدم حضور به موقع او بوده است و مقامات در این خصوص قصور نکرده‌اند لذا باید حکم داد که متهم با غیبت خود از حق ایراد بر شهود مخالف صرف‌نظر کرده و شهادت شهود که بعداً در دادگاه قرائت شده است از دلایل اثبات اتهام به شمار می‌رود.*** اصول محاکمه عادلانه ایجاب می‌کند در کنار حفظ حقوق متهم از حقوق و منافع اشخاص ثالثی که حضور آنها به جریان دادرسی کمک می‌کند حمایت به عمل آید و حتی حمایت از منافع شهود و این گونه اشخاص گاهی ایجاب می‌کند که حقوق متهم محدود گردد.

گفتار دهم: حق تقاضای جبران خسارت به دلیل اجرای نادرست عدالت

قربانیان اجرای نادرست عدالت حق دارند از دولت بخواهند خسارات آنها را جبران کند. بند ۶ ماده ۱۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص به ارتکاب یک جرم متهم و سپس حکم تغییر کند یا محکوم علیه به دلیل افشای حقایق یا کشفیات جدیدی که بر اجرای نادرست عدالت دلالت می‌کنند بخشوده شود. چنانچه محکوم علیه مجازاتی را تحمل کرده باشد باید برطبق قانون از او جبران خسارت گردد.

* - Van Mechelen and others V.the Netherlands 2April1997.

** - Reasonably fears reprisal.

*** - Artner V. Austria. 28August 1992.

مگر اینکه عدم افشای به موقع حقایق کاملاً به شخص او نسبت داده شود.»
 ماده ۱۰ کنوانسیون آمریکا مقرر می‌دارد: «هر شخصی که به موجب حکم نهایی دادگاه و بر مبنای اجرای نادرست عدالت مجازات شده باشد حق دارد میزان خسارت خود را بر طبق قانون تقاضا کند.» اجرای نادرست عدالت عبارت است از عدم موفقیت جریان قضایی که ضرر بی‌جهت محکوم علیه را در پی داشته باشد.* بر طبق بند ۶ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳ پروتکل ۷ کنوانسیون اروپا شرایط لازم برای استحقاق محکوم علیه برای جبران خسارات عبارتند از:

۱. به موجب حکم نهایی متهم محکوم شده باشد به گونه‌ای که قطعی غیر قابل واخواهی و تجدیدنظر باشد.

۲. محکوم علیه مجازات شده باشد.

۳. با کشف حقایق جدید ثابت شده باشد که عدالت نادرست اجرا شده است و عدم کشف بموقع حقایق به او نسبت داده نشود.

منظور از اینکه گفته می‌شود خسارت محکوم علیه بر طبق قانون جبران گردد این است که کشورها باید قوانینی وضع کنند که جبران خسارات قربانیان اجرای نادرست عدالت را پیش‌بینی کنند. این گونه قوانین معمولاً رویه جبران خسارت و میزان آن را مشخص می‌کنند به هر حال عدم وجود قانون و رویه پرداخت خسارت محکوم علیه در یک کشور موجب رفع مسئولیت دولت نیست چرا که استانداردهای بین‌المللی کشورها را به جبران خسارت ملزم می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

- Council of Europe, Explanatory report on protocol N.7 to the Convention for the protection of Human Rights and Fundamental Freedoms. 1985.